

گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیه السلام -

محمدهادی قهاری کرمانی

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال نوزدهم، شماره ۷۳ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۲۶-۱۴۹

گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیه السلام

محمدهادی قهاری کرمانی*

چکیده: آیات قرآن افزون بر آنچه از ظاهر آنها استفاده می‌شود، دارای تأویل‌اند و بهترین راه دست‌یافتن به تأویل قرآن از طریق اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت علیهم السلام به عنوان عدل قرآن به شمار می‌روند. در بسیاری از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام به تأویل آیات قرآن پرداخته شده است. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تفسیری سوره توبه چه نوع تأویلاتی نسبت به امام امیرالمؤمنین علیه السلام صورت پذیرفته است؟ در این راستا، روایات تأویلی مرتبط با امام امیرالمؤمنین علیه السلام از بین روایات تفسیری سوره توبه استخراج گردید و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که پنج نوع تأویل در این روایات درباره آن حضرت علیه السلام وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه، مصداق باطنی آیه، مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه و تحقق مفاد آیه.

کلیدواژه‌ها: روایت تفسیری؛ روایت تأویلی؛ انواع تأویل؛ امام امیرالمؤمنین علیه السلام؛ سوره توبه.

طرح مسأله

ژرفای نهایت‌ناپذیر قرآن، نخستین و اصلی‌ترین رمز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به‌ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به‌ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به‌فعلیت برسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به‌حاجات آنان در عرصه‌های گوناگون پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل، به‌این معناست که این کلام الهی علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری را نیز در خود دارد که از طریق روایات اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان بهترین راه، می‌توان آنها را استخراج نمود؛ زیرا این گرامیان طبق حدیث ثقلین، عدل قرآن به‌شمار می‌روند.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تفسیری سوره توبه چه نوع تأویلاتی در مورد امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام صورت پذیرفته است؟ از آن‌جا که در بین روایات تفسیری سوره توبه، روایاتی وجود دارد که به‌تأویل آیات بر امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرداخته‌اند، در این پژوهش برآنیم تا آن روایات را استخراج و دسته‌بندی کنیم و بر اساس آن، انواع تأویل آیات سوره توبه بر امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام را کشف نماییم.

۱. تأویل در لغت

در کتب لغت چهار معنا برای تأویل مطرح شده که عبارت‌اند از: الف- مرجع و عاقبت امر؛ (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ص ۳۱) ب- سیاست و تدبیر کردن؛ (ر.ک: ازهری، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۴۵۸) ج- تفسیر کردن؛ (ر.ک: فراهیدی،

۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهری، بی تا، ج ۱۵، ص ۴۵۸) د- برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر؛ (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰).

در کتب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است. استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید. همچنین معنای یکم، سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند؛ اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آن که معنای دوم، سوم و چهارم را می توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آن که درباره معنای دوم می توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می کند پشت صحنه قضایا و عاقبت امور را می بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن، خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی که معنای مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می باشد، تعریف کرده است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۲۰). به دیگر سخن، تأویل گر با ملاحظه وجوه متعدد معنای، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است، انتخاب نموده و به لفظ نسبت می دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می گردد، چنانکه برخی لغویان گفته اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است.» (جوهری، ۱۴۲۸: ج ۲، ص ۱۲۲۶) تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد، با این بیان که معنای غیرظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معنای کلام است.

به نظر می رسد برخی بررسی های لغوی متأخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است (ر.ک: فیروزآبادی، بی تا: ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، ۱۳۸۲: ص ۱۹) قابل ملاحظه

باشد؛ زیرا ابن‌فارس در هیأت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند: اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است. (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵۸) از این رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو کنیم و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده را بشناسیم. (ر.ک: اسعدی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳)

نتیجه آن‌که معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

۲. انواع روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیه السلام

همان‌طور که گفتیم در بین روایات تفسیری سوره توبه، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل کرده‌اند. این تأویلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم.

۲-۱. معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معانی، مقاصد و معارف عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یارای فهم آن نمی‌باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده، بر آن دلالت دارد. (ر.ک: شاکر، ۱۳۷۶: ۸۷-۹۱) در برخی از روایات، ضمن پذیرفته شدن این‌که قرآن دارای بطن و بطون است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «ظهر قرآن، تنزیل آن و بطن قرآن، تأویل آن می‌باشد؛ بخشی از تأویل قرآن،

محقق شده و بخش دیگر آن، هنوز محقق نشده است؛ قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۱۱)

همچنین در برخی روایات تصریح شده است که معنای باطنی آیه، تأویل آیه محسوب می‌گردد. مثلاً آیه ۳۰ سوره ملک در حدیث امام کاظم علیه السلام به امام عصر علیه السلام تأویل شده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۶۰). مفاد ظاهری آیه مزبور به اهمیت نعمت آب در حیات مادی اشاره دارد، ولی در معنای باطنی، به نعمت حضور امام و حجت خدا که مایه حیات و طهارت معنوی بشر است، اشاره شده است.

در روایات تفسیری سوره توبه روایاتی مشاهده شد که معنای باطنی آیه را بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل نموده که در ادامه به نقل آنها می‌پردازیم.

یک: از امام باقر علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ؛ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ص ۵۸۴).

عبارت «أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» در آیه ۱۷ توبه ظهور در حبط و نابودی اعمال مشرکان دارد؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۱۴) اما در روایت یک و دو، بر حبط اعمال منکران ولایت ائمه علیهم السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

دو: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا أَحَبُّ وَ وَصِيِّي وَ وَاَعْمَى عَلِمِي وَ خَلِيقَتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ رَبِّي. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ فِي عَلِيٍّ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» بِإِمَامَتِهِ؛ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ كَانَ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ» (عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۳۰۲)

سه: از امام باقر علیه السلام درباره آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِن

اسْتَحْبُوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ (توبه: ۲۳) روایت شده که فرمود: «إِنَّ الْإِيمَانَ وَوَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۹۴)

واژه «الإيمان» در روایت فوق، به ولایت امام علی عليه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

چهار: از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ نَظْرَةً، فَاخْتَارَنِي مِنْهُمْ؛ ثُمَّ نَظَرَ ثَانِيَةً فَاخْتَارَ عَلِيًّا أَحِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَوَلِيِّي كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي؛ مَنْ تَوَلَّاهُ تَوَلَّى اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاهُ عَادَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَ اللَّهَ. وَ اللَّهُ لَا يُجِبُهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ، وَ هُوَ نُورُ الْأَرْضِ بَعْدِي وَ رُكْنُهَا، وَ هُوَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى. ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ: يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (هلالی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۸۵۷)

عبارت «نور الله» در آیه ۳۲ سوره توبه، در روایت چهار تا هفت، به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه عليهم السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

پنج: از امام رضا عليه السلام روایت شده که فرمود: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَهِدُوا عَلَيَّ إِطْفَاءَ نُورِ اللَّهِ، حِينَ قَبِضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ آتَى اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ؛ وَ قَدْ جَهِدَ عَلَيَّ بَنُ أَبِي حَمْزَةَ عَلَيَّ إِطْفَاءَ نُورِ اللَّهِ حِينَ مَضَى أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام، فَأَبَى اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ» (حمیری، ۱۴۱۳: ص ۳۴۷)

شش: از امام باقر عليه السلام روایت شده که فرمود: «وَ النَّورُ وَوَلَايَةُ عَلِيٍّ؛ فَصَارُوا إِلَى الظُّلْمَةِ وَوَلَايَةَ أَغْدَائِهِ، وَ قَدْ نَزَلَ فِيهِمْ: فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوْهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النَّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ، وَ قَوْلُهُ تَعَالَى: يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۸۱)

هفت: از امام رضا عليه السلام روایت شده که فرمود: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا وَوَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَفْوَاهِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۵، ص ۳۹۶)

هشت: از امام رضا علیه السلام درباره آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (توبه: ۳۳) روایت شده که فرمود: «هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ صلی الله علیه و آله بِالْوَلَايَةِ لِيُوصِيَهُ، وَ الْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۸۲) عبارت «دینِ الْحَقِّ» در آیه ۳۳ توبه، در روایت فوق، به ولایت امام علی علیه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

۲-۲. مصداق باطنی آیه

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. به عنوان نمونه، امام باقر علیه السلام درباره آیه: وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده: ۳۲) فرمود: «یعنی هرکس شخصی را از سوختن یا غرق شدن نجات دهد». آنگاه آن را تأویل اعظم آیه می‌داند. (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۳۲) روشن است که این بیان، مصداق باطنی و تأویل اعظم آیه است.

در روایات تفسیری سوره توبه نیز مواردی از این مصادیق باطنی وجود دارد که بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل شده است که در ادامه، آنها را ذکر می‌کنیم:

یک: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: وَ أَدَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ (توبه: ۳) روایت شده که فرمود: «الْأَدَانُ اسْمٌ نَحَلَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلِيًّا مِنَ السَّمَاءِ، لِأَنَّهُ هُوَ الَّذِي أَدَّى عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ سُورَةَ بَرَاءَةِ، وَ قَدْ كَانَ بَعَثَ بِهَا أَبَا بَكْرٍ؛ فَأَنْزَلَ اللَّهُ جِبْرِيلَ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله؛ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ: لَا يَبْلُغُ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ. فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا فَأَخَذَ الصَّحِيفَةَ مِنْ أَبِي بَكْرٍ وَ مَضَى بِهَا إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ. فَسَمَّاهُ اللَّهُ تَعَالَى أَدَانًا مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله إِنَّهُ اسْمٌ نَحَلَهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ لِعَلِيِّ علیه السلام» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۲۹۸).

واژه «أَدَانٌ» در آیه ۳ توبه، به معنای اعلام است؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۱۴۹) ولی در حدیث یک تا شش به امام علی علیه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

دو: از امام علی علیه السلام روایت شده که درباره آیه: «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (توبه: ۳) فرمود: «أَنَا ذَلِكَ الْأَذَانُ» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۳۱)

سه: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «أَنَا الْمُؤَدُّنُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ أَنَا ذَلِكَ الْمُؤَدُّنُ. وَ قَالَ: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَأَنَا ذَلِكَ الْأَذَانُ» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۵۹)

چهار: از امام سجاد علیه السلام درباره آیه: «وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (توبه: ۳) روایت شده که فرمود: «الاذان أمير المؤمنين علیه السلام» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۶)

پنج: از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود: «إِنَّ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي كِتَابِ اللَّهِ اسْمًا وَ لَكِنْ لَا يَعْرِفُونَهُ. قَالَ: قُلْتُ: مَا هُوَ؟ قَالَ: أَلَمْ تَسْمَعْ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ؛ هُوَ وَ اللَّهِ كَانَ الْأَذَانُ» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۶۰)

شش: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که خطاب به امام علی علیه السلام فرمود: «وَ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ، فَكُنْتَ أَنْتَ الْمُبَلَّغُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنْ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله و سلم» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۹)

هفت: در قرآن می فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ (توبه: ۳۶)

از امام باقر علیه السلام درباره تأویل آیه پرسیدند. حضرت فرمود: «أَمَّا السَّنَةُ فَهِيَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم، وَ شَهْرُهَا اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا، فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ إِلَى ابْنِي جَعْفَرٍ وَ ابْنِي مُوسَى وَ ابْنِي عَلِيِّ وَ ابْنِي مُحَمَّدٍ وَ ابْنِي عَلِيِّ وَ إِلَى ابْنِي الْحُسَيْنِ وَ إِلَى ابْنِي مُحَمَّدٍ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا حُجَّجَ اللَّهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ عِلْمِهِ. وَ الْأَرْبَعَةُ الْحُرْمُ الَّذِينَ هُمْ الدِّينُ الْقَيِّمُ؛ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ يَخْرُجُونَ بِاسْمِي وَاحِدٍ: عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ فَالْإِقْرَارُ بِحَوْلَاءِ هُوَ الدِّينُ الْقَيِّمُ، فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِمْ أَنْفُسَكُمْ؛ أَيْ قُولُوا بِهَمِّ جَمِيعًا تَهْتَدُوا» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۴۹)

عبارت «اثنا عشر شهراً» در آیه مورد بحث، ظهور در ماه‌های سال دارد، ولی در

حدیث هفت تا نه به ائمه علیهم السلام تأویل شده است؛ همچنان عبارت «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» در آیه مورد بحث، ظهور در چهار ماه حرام دارد، ولی در این حدیث به چهار امام تأویل شده که نام علی دارند. لذا تأویل در این روایت، از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

هشت: از امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی ذیل آیه یادشده نام دوازده امام علیهم السلام را بر می‌شمرد. (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۸۸)

نه: امام باقر علیه السلام درباره همان آیه با توضیحی عقلی و استدلالی فرمود: «مَعْرِفَةُ الشُّهُورِ الْمُحَرَّمِ وَ صَفَرٍ وَ رَبِيعٍ وَ مَا بَعْدَهُ، وَ الْحِزْمِ مِنْهَا وَ هِيَ جُمَادَى وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمِ لَا يَكُونُ دِينًا قِيمًا؛ لِأَنَّ الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسَ وَ سَائِرَ الْمِلَلِ وَ النَّاسَ جَمِيعًا مِنَ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ يَعْرِفُونَ هَذِهِ الشُّهُورَ وَ يَعُدُّونَهَا بِأَسْمَائِهِمْ. وَ إِنَّمَا هُمْ الْأَيَّمَةُ الْقَوَامُونَ بِدِينِ اللَّهِ. وَ الْحِزْمُ مِنْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي اشْتَقَّ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْعَلِيِّ، كَمَا اشْتَقَّ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ الْمَحْمُودِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْ وُلْدِهِ أَسْمَاؤُهُمْ عَلِيُّ؛ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ. فَصَارَ لِهَذَا الْإِسْمِ الْمَشْتَقِّ مِنْ اسْمِ اللَّهِ تَعَالَى حُرْمَةٌ بِهِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۸۶).

ده: در روایتی چنین آمده است: «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ، عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْقَائِمُ، بِدَلَالَةِ قَوْلِهِ: ذَلِكَ الَّذِي الْقَيْمُ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۸۴)

عبارت «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» در آیه مورد بحث، ظهور در چهار ماه حرام دارد، ولی در این حدیث به چهار امام علیهم السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

۲-۳. مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی از احادیث به مصادیق زمان نزول که آیات ناظر به آنها بوده، ظهر و تنزیل گفته شده و به مصادیق مشابه آنها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته شده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن همان مصداق‌ها (اسباب و شأن نزول‌ها) و مواردی است که آیات درباره آنها نازل شده است و باطن قرآن مصداق‌ها و اشخاصی هستند که (در آینده می‌آیند و) مانند گذشتگان (که آیات درباره آنها نازل شده است) عمل می‌کنند.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) یعنی آنچه درباره آنان نازل شده، نسبت به اینان نیز صدق می‌کند. گرچه در این حدیث، سخنی از تأویل قرآن به میان نیامده است، اما در جای دیگر، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه، در حرکت است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱) همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «قرآن تأویلی دارد که بخشی از آن تحقق یافته و بخشی از آن محقق نشده است؛ هنگامی که تأویل آن در زمان یکی از امامان تحقق یابد، امام آن عصر آن را می‌شناسد.» (صفر، ۱۴۰۴: ۱۹۵) نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «در میان شما کسی است که بر تأویل قرآن قتال می‌کند چنان‌که من بر تنزیل آن قتال کردم و او علی بن ابی طالب است.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵)

در این روایات، تأویل قرآن به مصداقی توصیف شده که فراتر از سبب و شأن نزول آیات می‌باشند و بعضی از آنها تا زمان امام باقر و امام صادق علیه السلام روی داده و بعضی از آنها پس از ایشان واقع خواهند شد. به دیگر سخن، لفظ تأویل در مورد «مصداق آیه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایات یادشده به آن اشاره شده است، بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصداقی جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می‌کند. در این جا روایتی را که در متن آنها به تأویل بودن مصداق آیه در گذر زمان تصریح

شده است، نقل می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ ت فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ (حجرات: ۹) می‌فرماید: «تأویل این آیه در حادثه بصره تحقق یافت و آنان اهل این آیه بودند که بر امیرالمؤمنین علیه السلام شوریدند، پس بر آن حضرت لازم بود که با آنان بجنگد تا به امر الهی گردن نهند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۴۲۹) در این حدیث، عبارت «فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى» بر اصحاب جمل و عبارت «فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام و یارانش تأویل شده است که به عنوان یکی از مصادیق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌روند.

در روایات تفسیری سوره توبه، مواردی از مصادیق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) مشاهده شد که بر امام امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل شده است که به نقل آنها می‌پردازیم:

یک: از امام سجاد علیه السلام درباره آیه: «وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ (توبه: ۱۲) روایت شده که فرمود: «فَإِنَّهَا نَزَلَتْ فِي أَصْحَابِ الْجُمَلِ، وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَوْمَ الْجُمَلِ: وَاللَّهِ مَا قَاتَلْتُ هَذِهِ الْفِئَةَ النَّاكِثَةَ إِلَّا بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، يَقُولُ اللَّهُ: وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۸۳)

عبارت «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» در آیه ۱۲ توبه خطاب به پیامبر و مسلمانان است تا در صورت پیمان‌شکنی کفار با پیشوایان کفر پیکار کنند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۳۰۴)؛ اما در حدیث یک تا نه، الغای خصوصیت شده و بر پیکار امام امیرالمؤمنین علیه السلام با اصحاب جمل به خاطر پیمان‌شکنی آنان تطبیق شده است؛ بنابراین تأویل در این روایت از نوع مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می‌باشد.

دو: امام علی علیه السلام پس از جنگ جمل خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! وَ اللَّهُ مَا قَاتَلْتُ هَؤُلَاءِ بِالْأَمْسِ إِلَّا بِآيَةٍ (مِنْ كِتَابِ اللَّهِ) تَرَكْتُهَا فِي كِتَابِ اللَّهِ. إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَ إِنْ نَكَلْتُمْ أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۸)

سه: وقتی که جنگ جمل درگرفت، امام علی علیه السلام آیه «وَ إِنْ نَكَلْتُمْ أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ» را قرائت کرد و فرمود: «مَا قُوتِلَ أَهْلُهَا مُنْذُ يَوْمِ نَزَلَتْ حَتَّى كَانَ الْيَوْمَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۹)

چهار: همان مضمون کلام یادشده امام علی علیه السلام به نقل ابن حیون چنین است: «فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ، ثُمَّ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا رُمِيَ أَهْلُ هَذِهِ الْآيَةِ بِسَهْمٍ قَبْلَ الْيَوْمِ». (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۳۸۹)

پنج: به نقل دیگر، کلام حضرتش چنین است: «وَ اللَّهُ مَا رُمِيَ أَهْلُ هَذِهِ الْآيَةِ بِكِنَانَةٍ قَبْلَ الْيَوْمِ: فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۸)

شش: امام علی علیه السلام هنگام خروج طلحه و زبیر برای جنگ فرمود: «عَذِيرِي مِنْ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ، بَايَعَانِي طَائِعِينَ غَيْرِ مُكْرَهِينَ، ثُمَّ نَكَلْنَا بِيَعْتِي مِنْ غَيْرِ حَدَثٍ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: وَ إِنْ نَكَلْتُمْ أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (مفید، ۱۴۱۳ [۱]: ص ۷۳)

هفت: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «عَذَرَنِي اللَّهُ مِنْ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ، بَايَعَانِي طَائِعِينَ غَيْرِ مُكْرَهِينَ، ثُمَّ نَكَلْنَا بِيَعْتِي مِنْ غَيْرِ حَدَثٍ أَحَدْتُهُ. وَ اللَّهُ مَا قُوتِلَ أَهْلُ هَذِهِ الْآيَةِ مُنْذُ نَزَلَتْ حَتَّى قَاتَلْتُهُمْ: وَ إِنْ نَكَلْتُمْ أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۹)

هشت: امام علی علیه السلام در جنگ جمل با خواندن همین آیه سوگند یاد کرد و فرمود: «أَنَّهُ مَا قُوتِلَ عَلَيْهَا مُنْذُ نَزَلَتْ حَتَّى الْيَوْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۲، ص ۱۹۰)

نه: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «دَخَلَ عَلَيَّ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، فَسَأَلُونِي

عَنْ طَلْحَةَ وَ الرَّبِيعِ . فَقُلْتُ لَهُمْ : كَانَا إِمَامَيْنِ مِنْ أَيْمَةِ الْكُفْرِ . إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْبَصْرَةِ لَمَّا صَفَّ الْحَيُولَ ، قَالَ لِأَصْحَابِهِ : لَا تَعَجَلُوا عَلَيَّ الْقَوْمَ حَتَّى أُعَدَرَ فِي مَا بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَهُمْ . فَقَامَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ : يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ ! هَلْ تَجِدُونَ عَلَيَّ جَوْرًا فِي حُكْمٍ ؟ قَالُوا : لَا . قَالَ : فَحَيْفًا فِي قَسَمٍ ؟ قَالُوا : لَا . قَالَ : فَرُغَبَةٌ فِي دُنْيَا أَصَبْتُهَا لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي دُونَكُمْ فَتَقَمُّمْتُ عَلَيَّ فَتَكْتُمُونَ عَلَيَّ بَيْعَتِي ؟ قَالُوا : لَا . قَالَ : فَأَقَمْتُ فِيكُمْ الْحُدُودَ وَ عَطَلْتُهَا عَنْ غَيْرِكُمْ ؟ قَالُوا : لَا . قَالَ : فَمَا بَالُ بَيْعَتِي تُنْكِثُ وَ بَيْعَةَ غَيْرِي لَا تُنْكِثُ ؟ إِنِّي ضَرَبْتُ الْأَمْرَ أَنْفَهُ وَ عَيْنِيهِ وَ لَمْ أَحِدْ إِلَّا الْكُفْرَ أَوْ السَّيْفَ . ثُمَّ نَنَى إِلَيَّ أَصْحَابِهِ فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ : وَ إِنْ نَكَلْتُمْ أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعُنْتُمْ فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ . فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ وَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا ﷺ بِالنَّبُوتَةِ إِنَّهُمْ لِأَصْحَابُ هَذِهِ الْآيَةِ ، وَ مَا قُوتِلُوا مِنْذُ نَزَلَتْ» (عياشي، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۷۷)

ده: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَ هُوَ يُقَاتِلُ مُعَاوِيَةَ : فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ - الْآيَةِ . هُمْ هَؤُلَاءِ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۶۴)

یازده: از ابن عباس چنین روایت شده است که ما به همراه امام علی علیه السلام در جنگ صفین بودیم. در این هنگام دیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام پیش آمد، درحالی که از شمشیرش خون می چکید و سیمای مبارک چون یک تکه ماه بود و می فرمود: «فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (سیدرضی، ۱۴۰۶: ص ۷۶)

همان شرحی که در ذیل حدیث «یک» و آیه یاد شده مطرح شد، درباره حدیث شماره ده و یازده نیز صادق است، با این تفاوت که در اینجا مصداق دیگر آیه را جنگ صفین می داند؛ بنابراین تاویل در این روایت از نوع مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می باشد.

دوازده: از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: قَالَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ] أَبُو طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ ! فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ - الْآيَةِ ، ثُمَّ قَالَ : هَؤُلَاءِ

[الْقَوْمُ] هُمْ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ، يَعْنِي أَهْلَ صِفِّينَ وَ الْبَصْرَةَ وَ الْحَوَاجَّ (كوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۶۳)

در اینجا جری و تطبیق بر سه گروه (جمل و صفین و نهروان) انجام شده است. سیزده: از امام علی علیه السلام روایت شده که در جنگ صفین برای مردم خطبه خواند و فرمود: «أَنَا مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ، وَ مُعَاوِيَةَ طَلِيْقُ بْنُ طَلِيْقٍ. وَ اللَّهُ إِنَّا عَلَى الْحَقِّ وَ إِنْتُمْ عَلَى الْبَاطِلِ؛ وَ لَا يَجْتَمِعُنَّ عَلَيْهِ وَ تَتَفَرَّقُوا عَنْ حَقِّكُمْ حَتَّى يَغْلِبَ بَاطِلُهُمْ حَقِّكُمْ. قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ (توبه:

۱۴) فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا لِيُعَذِّبْنَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِي غَيْرِكُمْ» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴: ص ۳۱۴)

چهارده: از ابی‌الأغر تمیمی روایت شده که گوید: روز صفین ایستاده بودم که عبّاس بن ربیعة بن حارث بن عبدالمطلب سراپا مسلح با کلاه خودی بر سر و شمشیری یمانی در دست از کنار من گذشت و یک ضربه با شمشیر به مرد شامی زد و با آن ضربه قفسه‌ی سینه‌اش از هم دریده شد و با گونه به خاک افتاد. عبّاس در بین مردم بالا رفت و مردم چنان تکبیری گفتند که زمین بدان به لرزه درآمد؛ سپس شنیدم کسی پشت سرم می‌گفت: قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يُخْزِيهِمْ وَ يَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ يَذْهَبُ عَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ. (توبه: ۱۴-۱۵) به سوی صدا نگریستم و ناگهان دیدم که او امیرمؤمنان علی علیه السلام است، فرمود: «يَا أَبَا الْأَعْرَابِ! مِنَ الْمُبَارِّزِ لِعَدُوِّنَا؟ قُلْتُ: هَذَا ابْنُ شَيْحِكُمْ، الْعَبَّاسُ بْنُ رَبِيعَةَ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۸۱)

عبارت «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ» در آیه ۱۴ توبه، و تطبیق آن با صفین در روایت سیزده و چهارده، از نوع مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می‌باشد.

پانزده: امام علی علیه السلام بعد از جنگ نهروان چنین فرمود: «عِبَادَ اللَّهِ! مَا لَكُمْ إِنْ أَمَرْتُكُمْ أَنْ تَنْفَرُوا أَنَا قَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ تَوَابًا وَ بِالذُّلِّ وَ الْهَوَانِ مِنَ الْعَزِّ خَلْفًا!» (تقی، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۵)

آیه ۳۸ توبه درباره یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ تبوک است؛ (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۴۱۳) که با تطبیق آن بر جنگ نهروان از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان

(جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

شانزده: از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: «إِنَّ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ بَايَعَانِي ثُمَّ نَمَضَا بِيَعْتِي؛ فَكَانَ نَفْضُهُمَا كَرْدِيهِمَا؛ فَجَاهَدْتُهُمَا عَلَى ذَلِكَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُم كَارِهُونَ» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴: ص ۲۹)

عبارت «حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَ هُم كَارِهُونَ» در آیه ۴۸ توبه در مورد پیروزی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ بر توطئه منافقان در جنگ احد است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۲۹۰)، ولی تطبیق آن در این روایت بر پیروزی امام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بر توطئه طلحه و زبیر از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

هفده: از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: «وَ الْعَجَبُ مِنْكُمْ وَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ أَنَّ أَمِيرَهُمْ يُعْصِي اللَّهَ وَ هُمْ يُطِيعُونَهُ، وَ أَنَّ أَمِيرَكُمْ يُطِيعُ اللَّهَ وَ أَنْتُمْ تَعْصُونَهُ. إِنْ قُلْتُمْ لَكُمْ: انْفِرُوا إِلَى عَدُوِّكُمْ، قُلْتُمْ: الْفَرُّ يَمْنَعُنَا، أَفَتَرَوْنَ عَدُوَّكُمْ لَا يَجِدُونَ الْفَرَّ كَمَا تَجِدُونَهُ؟ وَ لَكِنَّكُمْ أَشْبِهْتُمْ قَوْمًا قَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ: انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَقَالَ كِبْرًاؤُهُمْ: لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ؛ فَقَالَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ: قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (تفنی، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۴۳)

عبارت «قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» در آیه ۸۱ توبه پاسخ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ به منافقان است که گرمای تابستان را بهانه فرار از جهاد کرده بودند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۵۹) که مانند تطبیق‌های روایت گذشته، از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

هجده: امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در نامه‌ای به مردم کوفه چنین نوشت: «فَإِنَّ دَارَ الْهِجْرَةِ تَقَلَّعَتْ بِأَهْلِهَا؛ فَانْقَلَعُوا عَنْهَا. فَجَاشَتْ جَيْشَ الْمَرْجِلِ وَ كَانَتْ فَاعِلَةً يَوْمًا مَا فَعَلْتَ، وَ قَدْ رَكِبْتَ الْمَرْؤَةَ الْجَمَلِ وَ نَبَحْتَهَا كِلَابِ الْحَوَابِ. وَ قَامَتِ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ يَهُودُهَا رِجَالٌ، يَطْلُبُونَ بِدَمِ هُمْ سَفْكَوهُ وَ عَرَضِ هُمْ شَتْمُوهُ وَ حُرْمَةِ هُمْ انْتَهَكُوهَا وَ أَبَاحُوا مَا أَبَاحُوا، يَعْتَدِرُونَ إِلَى النَّاسِ دُونَ اللَّهِ؛ يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِيَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مفید، ۱۴۱۳: [۲] ص ۲۵۹)

در این روایت، تطبیق مفاد آیه ۹۶ توبه که درباره منافقان است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۶۳) بر مسببان جنگ جمل، از نوع بیان مصداق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

نورده: از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره آیه: **أَفَمَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَعْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَاتَّخَذَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ (توبه: ۱۰۹)** روایت شده که فرمود: **«أَلَا وَ قَدْ سَبَقَنِي إِلَى هَذَا الْأَمْرِ مَنْ لَمْ أُشْرِكْهُ فِيهِ، وَ مَنْ لَمْ أَهْبُهُ لَهُ، وَ مَنْ لَيْسَتْ لَهُ مِنْهُ تَوْبَةٌ إِلَّا بِنَبِيِّ يُبْعَثُ، أَلَا وَ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، أَشْرَفَ مِنْهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَاتَّخَذَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»** (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۱۷۱)

عبارت «مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَاتَّخَذَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» در آیه ۱۰۹ توبه، مطلق است و هر منافقی را شامل می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۹۱) ولی تطبیق آن در روایت فوق به غاصب حق امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از نوع بیان مصداق اطلاق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به شمار می‌رود.

بیست: از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: **«وَ قَدْ كَانَ لِي حَقٌّ حَازَهُ دُونِي مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ؛ وَ لَمْ أَكُنْ أُشْرِكْهُ فِيهِ. وَ لَا تَوْبَةَ لَهُ إِلَّا بِكِتَابٍ مُنَزَّلٍ أَوْ بِرَسُولٍ مُرْسَلٍ. وَ أَنِّي لَهُ بِالرَّسَالَةِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ فَأَنَّى يَتُوبُ وَ هُوَ فِي بَرَزِحِ الْقِيَامَةِ، عَزَّتْهُ الْأَمَانِيُّ وَ عَزَّهُ بِاللَّهِ الْعَزُورُ. وَ قَدْ أَشْفَى عَلَى جُرْفٍ هَارٍ فَاتَّخَذَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ، وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»** (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۲۵۵)

همان توضیحی که درباره حدیث قبل مطرح شد، درباره این حدیث نیز جاری است.

۲-۴. مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات تفسیری متعددی که در ذیل این

گونه از آیات نقل می‌شود، به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. همچنین گاهی اوقات از برخی مصادیق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصداق اتم و اکمل نام برده شده است. در برخی از این روایات، ضمن بیان این نوع از مصادیق آیات، تصریح شده است که این مصادیق در زمره تأویل آیه به شمار می‌آیند؛ مثلاً از امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَالَّذِينَ يَصُلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ (رعد: ۲۱)» روایت شده که فرمود: «از جمله پیوندهای مورد نظر آیه، صله رحم است و تأویل نهایی و اتم آن، پیوند تو با ما است.» (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲ ص ۲۰۸) روشن است که عبارت «ما أمر الله به أن يوصل» در آیه یادشده، مطلق است، ولی در این روایت از پیوند با ائمه علیهم السلام که مصداق اتم اطلاق آیه می‌باشد، به عنوان تأویل نهایی آن یاد شده است.

در روایات تفسیری سوره توبه نیز از این گونه تأویل در مورد امام امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که به نقل آنها می‌پردازیم.

یک: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۷۲)» روایت شده که فرمود: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى عَلِيٍّ [علیه السلام] وَ شِبَعَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَرِفُونَ عَلَى نُوقٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛ شَبَابٌ مُتَوَجِّحُونَ مُكْحَلُونَ، لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، قَدْ أُيِّدُوا بِرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ، ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۷، ص ۱۶۷)

عبارت «الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» در آیه ۷۲ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت به امام علی علیه السلام و شیعیانش تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

دو: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ

اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۰۰) روایت شده که فرمود: «إِنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَنْ تَبِعَهُ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ، وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ، خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۸۳۳)

عبارت «السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ» در آیه ۱۰۰ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه کسانی که سبقت در ایمان دارند را در بر می‌گیرد؛ ولی در روایت فوق به امام علی عليه السلام و کسانی که از او پیروی کنند، تأویل شده است؛ لذا تأویل در حدیث شماره دو تا شش، از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به شمار می‌رود.

سه: از ابن عباس چنین روایت شده است: «وَ السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، سَبَقَ النَّاسَ كُلَّهُمْ بِالْإِيمَانِ، وَ صَلَّى الْقِبْلَتَيْنِ وَ بَايَعَ الْبَيْعَتَيْنِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۱۸)

چهار: از علی بن ابراهیم قمی چنین روایت شده است: «وَ السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ هُمُ التُّبَّاءُ: أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ سَلْمَانُ وَ عَمَّارٌ، وَ مَنْ آمَنَ وَ صَدَّقَ وَ نَبَتْ عَلَى وَ لَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۳)

پنج: از ابن عباس درباره آیه: السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ چنین روایت شده است: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَ حَمَزَةُ وَ عَمَّارٌ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانُ وَ مُقْدَادٌ» (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۳۳۵)

شش: از ابن عباس درباره آیه: السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ چنین روایت شده است: «وَ السَّابِقُونَ الْأَوْلُونَ عَلِيُّ عليه السلام وَ سَلْمَانُ» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۳۲۰)

هفت: از امام باقر عليه السلام روایت شده که فرمود: «عَنِّي بِقَوْلِهِ تَعَالَى: وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ، عَلِيًّا عليه السلام» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۰۰)

عبارت «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ» در آیه ۱۰۰ توبه، مطلق است و همه کسانی را که به نیکی از مهاجرین و انصار پیروی کردند در بر می‌گیرد، ولی در روایت فوق به

امام علی علیه السلام تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتم
اطلاق آیه به شمار می‌رود.

هشت: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ أَوْ كَافِرٍ يُوضَعُ فِي قَبْرِهِ حَتَّى يُعْرَضَ عَمَلُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ هَلَّمَ جَزَاءً إِلَى آخِرِ مَنْ قَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ. فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۱۰۵)»
(قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۰۴)

واژه «الْمُؤْمِنُونَ» در آیه ۱۰۵ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۳۷۸) ولی در این روایت و روایت بعدی به پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امیرالمؤمنین عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

نه: از امام صادق علیه السلام درباره آیه مذکور روایت شده که فرمود: «هُوَ وَ اللَّهُ عَلَى نَبِيٍّ أَبِي طَالِبٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (عباشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۱۰)

ده: امام هادی علیه السلام در روز عیدغدیر با این عبارات، امام علی علیه السلام را زیارت کرد: «أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ عَمَّكَ وَ أَخَاكَ، الَّذِينَ تَجَرَّتُمْ اللَّهُ بِنُفُوسِكُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ هُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ، وَ عِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ، وَ مَنْ أَوْفَى بَعْثَهُ مِنَ اللَّهِ؛ فَاسْتَبَشَرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ، التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۲۶۵)

واژه «الْمُؤْمِنِينَ» در آیه ۱۱۱ و ۱۱۲ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت به امام علی علیه السلام و عمو و برادرش تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتم عموم آیه به شمار می‌رود.

یازده: از رسول خدا ﷺ درباره صادقین در باره آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه: ۱۱۹) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «هُم عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ ذُرِّيَّتُهُمُ الطَّاهِرُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۸۶۵)

واژه «الصَّادِقِينَ» در آیه ۱۱۹ توبه، جمع محلی به الف و لام و عام بوده و همه صادقان را در بر می گیرد؛ (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۹، ص ۴۰۲) ولی در روایت یازده تا بیست به امام علی عليه السلام و نسل پاکش تأویل شده است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان مصداق اتمّ عموم آیه به شمار می رود.

دوازده: از ابن عباس درباره آیه ۱۱۹ توبه چنین روایت شده است: «نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ أَهْلِ بَيْتِهِ خَاصَّةً» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۴)

سیزده: از امام علی عليه السلام روایت شده که فرمود: «أُنشِدُكُمُ اللَّهَ، أَنْتَعَلِمُونَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ، فَقَالَ سَلْمَانُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَامَّةٌ هَذَا أَمْ خَاصَّةٌ؟ قَالَ: أَمَّا الْمَأْمُورُونَ، فَعَامَّةُ الْمُؤْمِنِينَ أُمُورًا بِذَلِكَ؛ وَ أَمَّا الصَّادِقُونَ فَخَاصَّةٌ لِأَجْحِي عَلِيٍّ وَ أُوصِيَائِي مِنْ بَعْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (هلالی، ۱۴۰۵: ص ۶۴۶)

چهارده: از امام علی عليه السلام درباره آیه ۱۱۹ توبه روایت شده که فرمود: «فَتَحْنُ وَ اللَّهُ الصَّادِقُونَ» (دبلی، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۳۰۶)

پانزده: از امام باقر عليه السلام روایت شده که فرمود: «أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ انْتَهَى الْأَمْرُ إِلَيْنَا، ثُمَّ ابْنِي جَعْفَرٌ - وَ أَوْمًا إِلَى جَعْفَرٍ وَ هُوَ حَالِسٌ - فَمَنْ وَالَى هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَالَى أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ كَانَ مَعَ الصَّادِقِينَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۱۶)

شانزده: از امام صادق عليه السلام درباره آیه ۱۱۹ توبه روایت شده که فرمود: «مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم، وَ عَلِيٌّ عليه السلام» (ربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۶۳)

هفده: از امام باقر عليه السلام درباره آیه ۱۱۹ توبه روایت شده که فرمود: «مَعَ عَلِيٍّ بِنِ

أبي طالبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۳)

هجده: از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمود: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ،

أَنَا ذَلِكَ الصَّادِقُ» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۵۸)

نوزده: هنگامی که آیه: اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه: ۱۱۹) نازل شد؛ رسول

خدا ﷺ رو به اصحابش کرد و فرمود: «أَتَذَرُونَ فِي مَنْ نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ؟ قَالُوا: لَا وَاللَّهِ

يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا نَدْرِي. فَقَالَ أَبُو جَانَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كُنَّا مِنَ الصَّادِقِينَ قَدْ آمَنَّا بِكَ وَصَدَقْنَاكَ.

قَالَ: لَا يَا أَبَا جَانَةَ، هَذِهِ نَزَلَتْ فِي ابْنِ عَمِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ خَاصَّةً دُونَ النَّاسِ، وَ

هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۷۴)

بیست: از ابن عباس درباره آیه مورد بحث چنین روایت شده است: «مَعَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ أَصْحَابِهِ: [مراد از مَعَ الصَّادِقِينَ این است که] با علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اصحابش باشید.» (کوفی،

۱۴۱۰: ص ۱۷۳)

۲-۵. تحقق مفاد آیه

در برخی از آیات و روایات، تحقق و تجسم عینی مفاد آیه، تأویل آن آیه نامیده

شده است. به دیگر سخن، در برخی آیات، خبرها و وعد و وعیدهایی داده شده

است که در زمان نزول آیه، مصداق بالفعل نداشته و آن اخبار در آینده محقق

خواهند شد. به مصادیق این خبرها و وعد و وعیدها که در آینده تحقق می‌یابند،

اطلاق تأویل قرآن شده است.

در آیات زیر، کلمه تأویل به حسب نظر مشهور، در مورد قرآن به کار رفته و

ظاهراً مراد از آن همان مصداق عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم و اخبارهای آن

از جهان آخرت است.

الف. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا

بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَمْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرْدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (اعراف: ۵۳). اظهر آن است که مراد از تأویل قرآن در این آیه کریمه، همان مصداق خارجی و تجسّم عینی خبرها و وعد و وعیدهایی است که قرآن کریم در زمینه آخرت بیان داشته و ماهیت آنها در این جهان برای انسان پنهان است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۶۵۷)

ب. بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (يونس: ۳۹). در این آیه، ظاهراً ضمیر «تأویله» به «مالم یحیطوا» بر می‌گردد. به نظر می‌رسد. با توجه به «لمایأتهم تأویله» اظهر در تفسیر «مالم یحیطوا» همان تفسیر به وعد و وعیدها و اخبار قرآن از آخرت، بهشت و جهنم است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۶۷) در نتیجه، معنای تأویل در این آیه نیز همان معنایی است که در آیه گذشته بیان شد. یعنی مراد از آن، مصداق خارجی و حقیقت عینی وعد و وعیدهای قرآن و اخبارهای غیبی آن نسبت به عالم آخرت است؛ زیرا کلمه «اتیان تأویل» مناسب با چنین معنایی است.

در برخی از روایات نیز به صراحت از تحقق مفاد آیه به عنوان تأویل آن یاد شده است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام درباره آیه: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳) روایت شده که فرمود: «به خدا سوگند! تأویل این آیه محقق نخواهد شد تا زمانی که قائم علیه السلام ظهور کند.» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷۰) آیه مذکور از چیرگی و غلبه دین حق بر همه ادیان خبر می‌دهد و در این روایت از تحقق مفاد آیه هنگام ظهور امام زمان علیه السلام به عنوان تأویل آیه، یاد شده است.

در روایات تفسیری سوره توبه نیز از این نوع تأویل در مورد امام امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که در ادامه آن را ذکر می‌کنیم. در روایتی چنین آمده است: «وَ مِمَّا قَضَى عَنْهُ الدَّيْنُ، دَيْنُ اللَّهِ الَّذِي هُوَ أَعْظَمُ، وَ ذَلِكَ

مَا كَانَ افْتِرَاضُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ فُقِضَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يُفْضِيَهُ وَ أَوْصَى عَلِيًّا بِمَضَائِهِ عَنْهُ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ (توبه: ۷۳). فَجَاهَدَ الْكُفَّارَ فِي حَيَاتِهِ، وَ أَمَرَ عَلِيًّا بِجِهَادِ الْمُنَافِقِينَ بَعْدَ وَفَاتِهِ. فَجَاهَدَ النَّكَائِبَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ قَضَى بِذَلِكَ دَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، الَّذِي كَانَ لِرَبِّهِ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۸، ص ۷۴)

در این روایت، تحقق جهاد با منافقان را در دوران امام علی علیه السلام دانسته است؛ لذا تأویل در این روایت از نوع بیان تحقق مفاد آیه به شمار می‌رود.

نتیجه گیری

از مجموع ۵۹ روایت تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین علیه السلام این نتیجه حاصل شد که در این روایات، پنج نوع تأویل وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۸ روایت)، مصداق باطنی آیه (۱۰ روایت)، مصداق آیه در گذر زمان (۲۰ روایت)، مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه (۲۰ روایت) و تحقق مفاد آیه (۱ روایت).

منابع

قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک‌بن محمد، النهایه فی غریب‌الحدیث والاثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
- ابن حیون، نعمان‌بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۸۵ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین لأسرار مازاد من کتاب‌الیقین، قم، مؤسسه دار‌الکتاب، ۱۴۱۳ق.
- ، کشف‌الحجّة لثمره‌المهجّة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس‌اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمة فی معرفه‌الأئمة، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- ازهری، محمد بن احمد، معجم تهذیب‌اللغه، بیروت، دار‌الکتاب العربی، بی‌تا.
- اسعدی، محمد و طیب حسینی، سید محمود، پژوهشی در محکم و متشابه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۴۱۵ق.

- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۸ق.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۱۳ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، قم، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- سیدرضی، محمد بن حسین، خصائص الائمة [خصائص امیر المؤمنین (علیه السلام)]، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ق.
- شاکر، محمد کاظم، روشهای تأویل قرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶.
- ، مبانی و روش های تفسیر، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النحفی، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم، دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- عاملی ناطقی، علی بن محمد، الصراط المستقیم إلى مستحق التقدیم، نجف، المکتبه الحیدریة، ۱۳۸۴ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تهران، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- فیروزآبادی، مجدالدین، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، بیروت، المکتبه العلمیه، بی تا.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسة الطبع و وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق [۱].
- ، الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصرة، قم، ۱۴۱۳ق [۲].
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
- نصربن مزاحم، وقعه صفین، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النحفی، ۱۴۰۴ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.